

## گپ وگفت «ایران» با علی رضا سمیعی به بهانه انتشار کتاب «فرم رمان ایرانی به مثابه امر سیاسی»

# رابطه سیاست و ادبیات داستانی جدایی ناپذیر است

### گفت وگو

#### مریم شهزادی

خبرنگار

ورود شکل مدرن ادبیات داستانی و قالب‌هایی همچون رمان به کشورمان، همزمان با وقوع تحولات سیاسی منتهی به برقراری مشروطه بود. از همین بابت نه فقط نویسندگانی که در این زمینه دست به قلم بردند، بلکه حتی پیشگامان نهضت ترجمه نیز تحت تأثیر اوضاع و احوال زمانه خود فعالیت داشتند؛ افرادی که در تاریخ معاصر کشورمان از آنها به عنوان چهره‌هایی ادبی و البته سیاسی یاد شده است؛ اهالی ادبیات، آن‌طور که علی رضا سمیعی هم در کتاب تازه‌اش، «فرم رمان ایرانی به مثابه امری سیاسی» آورده، از پایه‌های اصلی تجدید بودند و نقشی جدی در شکل‌دهی مسائل سیاسی داشتند. سمیعی در این کتاب که با همراهی انتشارات پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی روانه کتابفروشی‌ها شده یا ذکر مصادیق مختلفی از رمان‌های مطرح ایرانی و خارجی به بررسی رابطه رمان با سیاست پرداخته است؛ هرچند که تأکید او بیش از همه بر وضعیت این قالب ادبی در کشور خودمان بوده. در گپ و گفت امروزمان با این نویسنده و پژوهشگر، نکات بیشتری درباره نوشته تازه‌اش می‌خوانید.

سیاسیون در ایران شکل می‌گیرد! درست است. با وجود شروع سیاسی ترجمه و شکل‌گیری سیاسی رمان نویسی در کشورمان، هرگز در رابطه با اینکه رمان در ایران فرمی سیاسی داشته حرفی زده نشده است. تنها از این گفته‌ایم که نویسندگان آغازگر رمان نویسی، فعالیت سیاسی هم داشته‌اند. کتاب شروع با چند زبان درباره تاریخ رمان نویسی در کشورمان منتشر شده‌اند از سیاست به عنوان امری فرعی یاد کرده‌اند، در صورتی که محسوب می‌شود. او زبان رسمی را ناپسندیده گرفته و کتابی مهم را به زبانی دیگری می‌نویسد که حادثه‌های بسیار بزرگ در تاریخ ادبیات جهان محسوب می‌شود. رمان ابزار شخصیت‌های سیاسی نبوده، هرچند امکان بهره‌وری از آن به عنوان یک ابزار هم فراهم بوده و هست. ممکن است فردی که به عنوان یک شخصیت سیاسی، فعالیت سیاسی‌اش را در رمان انجام داده و از این طریق عملی سیاسی رخ دهد. به عنوان نمونه کاری که در ساده‌سازی زبان فارسی انجام شد هم از این‌گونه است، مسأله‌ای که جمال‌زاده در مقدمه کتاب «یکی بود یکی نبود» به آن اشاره کرده است.

او در مقدمه این کتاب از دموکراسی حرف زده و اینکه ادبیات می‌تواند وسیله‌ای سیاسی باشد. اما شما پیش از آنکه رمان را در ایران وسیله‌ای سیاسی بدانید بر این تأکید دارید که عملی سیاسی محسوب می‌شود؟ دقیقاً. من رمان نویسی را در ایران یک عمل سیاسی می‌دانم. در عرصه جهانی هم به چنین نگاهی معتقد هستیم؟ به گمانم در خارج از ایران هم چنین است. به عنوان نمونه در انگلستان هم رمان فعالیت سیاسی بوده؛ درباره نویسندگان قدیمی‌ترین رمان‌های جهان هم این‌طور است؛ «دن کیشوت» و «ارینیسون کروژه» نوشته‌هایی از «سروانتس» و «ادیل دوف» هستند که هر دو اینها فعالیت سیاسی داشته‌اند. درباره «جاناتان سویت» نویسنده کتاب «سفرهای گالیور» هم این‌طور است. همه اینها شخصیت‌های سیاسی بوده‌اند. حتی در دوره نزدیک‌تر زمانی که ادبیات روسیه به جریان ادبی مهمی تبدیل شد هم نویسندگانی نظیر «لئونستوی» از اشراف بوده و حتی بخشی از زندگی‌اش هم به فعالیت‌های سیاسی می‌گذرد!

بله. فعالیت‌های سیاسی با زندگی بسیاری از این رمان‌نویسان عجین بوده است. اما نگفتید این بحث سبطره سیاست به رمان نویسی را تنها در خصوص کشورهایی نظیر ایران، انگلستان و اسپانیا می‌توان برشمرد یا گستره بین‌المللی برای آن قابل هستی؟

این مسأله گستره بین‌المللی دارد. به عقیده من رمان در لحظه تولد سیاسی بوده است. شکل‌گیری ادبیات داستانی سراسر جهان در نتیجه فعالیت شاعران بوده است. اینها افرادی که در تاریخ معاصر کشورمان از آنها به عنوان چهره‌هایی ادبی و البته سیاسی یاد شده است؛ اهالی ادبیات، آن‌طور که علی رضا سمیعی هم در کتاب تازه‌اش، «فرم رمان ایرانی به مثابه امر سیاسی» آورده، از پایه‌های اصلی تجدید بودند و نقشی جدی در شکل‌دهی مسائل سیاسی داشتند. سمیعی در این کتاب که با همراهی انتشارات پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی روانه کتابفروشی‌ها شده یا ذکر مصادیق مختلفی از رمان‌های مطرح ایرانی و خارجی به بررسی رابطه رمان با سیاست پرداخته است؛ هرچند که تأکید او بیش از همه بر وضعیت این قالب ادبی در کشور خودمان بوده

شما افزون بر فعالیت رسانه‌ای چند مجموعه شعر منتشر کرده‌اید، اما کتاب تازه‌تان اثری پژوهشی در حوزه رمان و ادبیات داستانی است؛ چطور شد به جای ادامه فعالیت‌های قبلی، روند تازه‌ای را در کتاب «فرم رمان ایرانی به مثابه امر سیاسی» در پیش گرفتید؟

حدود بیست و پنج سال قبل سراغ شعر و نوشتن رفتم. آن موقع شاعران قدیمی‌تر به تازه‌کارهایی مثل من تأکید می‌کردند برای انجام کارهای گشوده‌شده!

اگر بخواهیم اشاره دقیق‌تری داشته باشیم شروع این توجه به دوره ناصری بازی کرد؛ زمانه‌ای که درهای کشور به سایر نقاط کشور گشوده‌شده! بله و اتفاقاً رمان از چنان جایگاهی برخوردار شده بود که خود ناصرالدین شاه هم درصدد درج آن در کتابخانه‌های خصوصی‌اش را در میان شاهرادگان تعداد معدودی در مرکز دربار قرار داشتند، مابقی آنان در تهران و اغلب تبریز به کار مشغول می‌بودند. در آن شرایط دو گونه فعالیت داشتند؛ یا آنکه قدرت منحصر به تهران بوده اما همچنان خود را شایسته ورود به پای‌های سیاسی دانسته و از روش‌های دیگری برای مشارکت در قدرت استفاده می‌کردند. به همین دلیل شاهرزاده‌هایی که از قدرت دور نگه داشته شده بودند به ناگراش روی می‌آوردند.

از ادبیات به عنوان ابزاری برای کسب اعتبار استفاده کردند؟

از ادبیات، هم به شکل تقریبی و هم به عنوان یک فعالیت جدی بهره می‌گرفتند. همین است که تبریز جایگاه مهمی در تجدید ایران پیدا کرد، چراکه شاهرزاده‌هایی که ساکن تبریز شده بودند دنبال کسب قدرت رفتند. نخستین رمانی که در ایران نوشته شده به قلم میرزا فتحعلی آخوندزاده است که خب او هم ساکن تبریز بوده است.

که البته فعال سیاسی هم بوده است!

بله. او به قفقاز رفته و رمان «ستارگان فریب‌خورده» را آنجا می‌نویسد. در نهایت هم یک شاهرزاده درباری چند سال بعد آن را به فارسی ترجمه کرده و در ایران منتشر می‌کند. پس همان‌طور که می‌بینید رمان از همان ابتدا در ایران سیاسی بوده، با مقاصد سیاسی نوشته و حتی خوانده می‌شده است.

جالب اینجاست که حتی نهضت ترجمه هم در دوره مشروطه از سوی

روود شکل مدرن ادبیات داستانی و قالب‌هایی همچون رمان به کشورمان، همزمان با وقوع تحولات سیاسی منتهی به برقراری مشروطه بود. از همین بابت نه فقط نویسندگانی که در این زمینه دست به قلم بردند، بلکه حتی پیشگامان نهضت ترجمه نیز تحت تأثیر اوضاع و احوال زمانه خود فعالیت داشتند؛ افرادی که در تاریخ معاصر کشورمان از آنها به عنوان چهره‌هایی ادبی و البته سیاسی یاد شده است؛ اهالی ادبیات، آن‌طور که علی رضا سمیعی هم در کتاب تازه‌اش، «فرم رمان ایرانی به مثابه امری سیاسی» آورده، از پایه‌های اصلی تجدید بودند و نقشی جدی در شکل‌دهی مسائل سیاسی داشتند. سمیعی در این کتاب که با همراهی انتشارات پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی روانه کتابفروشی‌ها شده یا ذکر مصادیق مختلفی از رمان‌های مطرح ایرانی و خارجی به بررسی رابطه رمان با سیاست پرداخته است؛ هرچند که تأکید او بیش از همه بر وضعیت این قالب ادبی در کشور خودمان بوده. در گپ و گفت امروزمان با این نویسنده و پژوهشگر، نکات بیشتری درباره نوشته تازه‌اش می‌خوانید.

مواردی که اشاره شد حوزه‌های متفاوتی هستند؛ دلیل ورودتان به عرصه نقد ادبیات داستانی را نشأت گرفته از توصیه‌های ابتدایی ورودتان به شعر و شاعری می‌دانید؟ توصیه اثرگذاری بود، بخصوص که علاقه زیادی هم به مطالعه رمان و نمایشنامه داشتیم. اتفاق مؤثر دیگر اینکه کتاب خواندن به شغل من تبدیل شد. وقتی کتابخوانی به حرفه کسی تبدیل شود طبیعی است که در زمینه‌های مختلفی مطالعه داشته باشد. یکی از زمینه‌هایی که سال‌ها روی آن کار کرده‌ام داستان و مسأله داستان نویسی در کشورمان بود. به عنوان منتقد ادبی به برنامه‌ها دعوت شده یا درباره فلان اثر می‌نوشتم. درست مثل خود شما که برای این گفت‌وگو کتاب مرا خوانده‌اید، من هم برای حضور در هر نشست کتاب مرتبط با آن را می‌خواندم. علاوه بر این ستون معرفی کتاب هم داشتم. ورودم به بنیاد ادبیات داستانی به میزان این فعالیت‌ها اضافه کرد؛ آنجا یک انتشارات برای بنیاد راه‌انداز کرده و دست به انتشار رمان می‌زدیم، همین سبب شکل‌گیری ارتباطم با نویسندگانی شد که می‌خواستند با آنها از نزدیک دیده و پای صحبت با آنها می‌نشستم خیلی مؤثر بود. از طرفی بنا بر علاقه‌مندی خودم بحث‌های نظری مرتبط با تاریخ ادبیات و رمان نویسی را هم دنبال می‌کردم.

ایده تألیف این کتاب از کجا آمده است؟

در پاسخ به این سؤال باید نگاه مختصری به تاریخچه رمان نویسی داشته باشم. رمان فارسی نخستین مرتبه به عنوان یک مسأله سیاسی



رمان از چنان جایگاهی برخوردار شده بود که خود ناصرالدین شاه هم درصدد

رمان نویسی برمی‌آید. حتی به سبب آشنایی با چند زبان، به فرانسه و

انگلیسی رمان می‌خوانده است. نکته‌ای که نباید از آن غافل شد

وضعیت دربار است. در دوره قاجار شاهد

تقسیم‌بندی خاصی در قدرت هستیم. در میان شاهرادگان تعداد

معدودی در مرکز دربار قرار داشتند، مابقی

آنان در تهران و اغلب تبریز

مشغول نبوده و از امکانات و موقعیت خود

بهره می‌بردند



از سایر کشورهایی که جنگ را تجربه کرده‌اند می‌دانید؟ بله. انگیزه‌هایی که رزمندگان ما را به صحنه نبرد با عراقی‌ها کشاند متفاوت از چیزی بود که در سایر نقاط جهان رخ داده. همین است که اثرگذاری آن را هم می‌توان متفاوت از جنگ‌های دیگر کشورها دانست.

در کتابی که بحث رابطه رمان با سیاست در آن مطرح است چرا به خاطره‌نگاری به عنوان یکی از گونه‌های مهم پرداخته‌اید؟

به خاطره‌نگاری در بخشی که درباره اثرگذاری جنگ بر رمان نویسی پرداخته شده از این جهت توجه نشان داده‌ام که این گونه نوشتاری را می‌توان منبع خوبی برای تألیف رمان و حتی داستان کوتاه دانست. از این طریق می‌توان شخصیت‌هایی را در میان رمان‌ها به تصویر کشید که با انگیزه‌های فراتر از مسائل شخصی دست به کارهای الهی می‌زنند.

نکته جالب توجه در نوشته‌تان این است که بی‌توجه به طیف‌بندی‌های سیاسی، مصادیقی از زمان‌های ایرانی را در کتاب آورده‌اید!

واقعیت این است که در کارهای پژوهشی نمی‌توان نگاه‌های گزینشی اینچنینی داشت. اگر قرار بود که فقط سراغ نویسندگانی منسوب به حوزه هنری و انقلاب بروم، این کار به معنای نادیده گرفتن نقش نویسندگان کشور خودمان و هم عرصه خارجی، بحث‌هایی درباره جنبه‌های غیررفنی در رابطه اثر هنر و معنویت و موضوعی است که از رزناسنس به این طرف تعظیم شد. با وجود این سنت‌گرایان در همه کشورها همچنان این مسأله را مدنظر داشته‌اند. در این بین انقلاب مذهبی ما ایرانیان منجر به تقویت انگیزه معنوی می‌شود.

در این کتاب برای طرح دوباره این سؤال کوشیده‌ام و پاسخ‌هایی مرتبط را هم آورده‌ام.

البته در شرایطی که رمان و البته و متعکس‌کننده زندگی اجتماعی از درجه‌های مختلف می‌دانند خواه ناخواه نمی‌توان بین معنویت و رمان نویسی خط و مرز کشید!

بله. اما گاهی رمان نویسان با برنامه قبلی پیرامون موضوعی معنوی داستان می‌نویسند، نه اینکه مباحث معنوی، به عنوان بخشی از فضای حاکم بر جامعه به نوشته‌شان راه پیدا کند. رمان و هر نوع اثر داستانی ظرفیت تبدیل به کاری معنوی را دارد اما این همان جنبه‌ای است که فراموش شده و درباره‌اش تفکر و تأمل چندانی نمی‌شود.

درباره تأثیر جنگ تصمیمی بر ادبیات داستانی و رمان نویسی مان

نوشته‌اید و تأکید کرده‌اید که طی دوران دفاع مقدس یکسری از مفاهیم از جمله ایثار با فداکاری جای‌جای می‌شوند و در نتیجه‌اش جنگ برای ما جایگاه متفاوتی پیدا می‌کند؛ شما این اثرگذاری را متفاوت

داستان نویسی هم داشته‌ایم. این مسأله در چگونگی رمان نویسی مان و از سویی میزان سیاسی بودن آن اثر داشته. رمان برای ما صرفاً جهت سرگرم‌کنندگی نبوده بلکه برای آن تکلیف قائل بوده‌ایم. در عین حال نمی‌توان منکر این شد که رمان ایران با تحویل‌گرفته‌هایی مواجه هستیم که مشغله‌های سیاسی دارند، در میان خواص، فیلسوفان که کاری با سیاست ندارند. خب پس آنهایی که اهل سیاست هستند کدام افرادند؟ اینها عمدتاً دو گروه را تشکیل می‌دهند. گروه فقها یکی از سرزمین‌های کهن. شاهنامه هم چنین ماجرای داشته و فردوسی داستان‌هایی که پیش‌تر بوده‌اند را به نظم درآورده است. به همین شیوه، دانه کتاب «کمندی الهی» را به ایتالیایی می‌نویسد، در حالی که آن دوره زبان ادبی و علمی لاتین بوده و این کار دانه یک حرکت سیاسی و به نوعی مخالفت با زبان لاتین محسوب می‌شود. او زبان رسمی را ناپسندیده گرفته و کتابی مهم را به زبانی دیگری می‌نویسد که حادثه‌های بسیار بزرگ در تاریخ ادبیات جهان محسوب می‌شود. رمان ابزار شخصیت‌های سیاسی نبوده، هرچند امکان بهره‌وری از آن به عنوان یک ابزار هم فراهم بوده و هست. ممکن است فردی که به عنوان یک شخصیت سیاسی، فعالیت سیاسی‌اش را در رمان انجام داده و از این طریق عملی سیاسی رخ دهد. به عنوان نمونه کاری که در ساده‌سازی زبان فارسی انجام شد هم از این‌گونه است، مسأله‌ای که جمال‌زاده در مقدمه کتاب «یکی بود یکی نبود» به آن اشاره کرده است.

هرچند بر اساس آنچه در تاریخ ادبیات معاصر کشورمان و از سویی در کتاب شما هم آمده، نخستین نویسندگان و مترجمان ایرانی پیش از مصادیقی که درباره سایر جهان می‌توان برشمرد افرادی سیاسی محسوب می‌شوند!

خب طبیعی است چراکه کشورهای نظیر ایران به دلیل آنکه در زمره تمدن‌های باستانی به شمار می‌آیند سرزمین‌هایی با مردمان کشاورهایی مثل ایران سال‌ها یک جا ساکن بوده و در معادلات جهانی نقش داشته‌اند، اما برخی از این کشورها نظیر هندوستان با رغم پیشینه تاریخی شان برخوردار از فرهنگی غیرسیاسی هستند چراکه حکومت‌اتان همواره بین ایران و رم دست به زد و خورد می‌شدند. این واسطه در زمینه سیاسی اغلب متغیر بوده‌اند، اما سراغ مصر که بروید سرمنشا برخی از مهم‌ترین وقایع جهان را آنجا می‌بینید، از جمله ماجرای ظهور حضرت موسی (ع) که در مصر رخ داده و اتفاق سیاسی مهمی است. ملت‌های باستانی اغلب مردمانی سیاسی بوده و هنوز هم هستند. ما ایرانیان هم نه فقط ملتی با پیشینه باستانی، بلکه سیاسی بوده و از گذشته‌های دور تا به امروز در منطقه اثرگذاری، ما در ابتدا قدرتی جهانی بوده‌ایم و حتی بعد از تغییر جایگاه گذشته‌مان، حالا هم مدام با قدرت‌های جهانی درگیر هستیم.

در عرصه داخلی هرگز با مسأله‌ای روبه‌رو نشده‌ایم که برقرار بماند اما در زمینه خارجی بابت هر عمل داخلی یا خارجی در نکاپو هستیم.

شما این کتاب را درباره رابطه سیاست با رمان نوشته‌اید، اما چرا با ارائه تعاریفی از رمان نویسی از منظر فلسفه شروع شده؛ حتی نقل قول‌هایی که در کتاب آورده‌اید هم از فلاسفه بزرگ جهان است و نه

از سیاسیون و رمان‌نویسان؟! شاید بخشی از این مسأله نشأت گرفته از این باشد که فلسفه خوانده‌ام. نکته دیگر اینکه وقتی سراغ کتابی نظیر «پدایی رمان» بروید، وقتی در آن

صحت از پیدایش رمان در جهان شده، پیدایش رمان را همزمان با تحولی که در فلسفه غرب با ظهور دکارت رخ داده می‌دانند، اما در ایران مسأله‌ای مبنی بر این وجود داشته که فیلسوفان در کشور ما تأثیر بسیار کمی در نوشتن و تجدید داشته‌اند. از دهه چهل به سمت دوره معاصر، به تدریج افرادی که اشتغال فلسفی دارند وارد فعالیت‌های سیاسی هم می‌شوند، اما قبل‌تر از این دهه، در ایران با تحویل‌گرفته‌هایی مواجه هستیم که مشغله‌های سیاسی دارند، در میان خواص، فیلسوفان که کاری با سیاست ندارند. خب پس آنهایی که اهل سیاست هستند کدام افرادند؟ اینها عمدتاً دو گروه را تشکیل می‌دهند. گروه فقها یکی از سرزمین‌های کهن. شاهنامه هم چنین ماجرای داشته و فردوسی داستان‌هایی که پیش‌تر بوده‌اند را به نظم درآورده است. به همین شیوه، دانه کتاب «کمندی الهی» را به ایتالیایی می‌نویسد، در حالی که آن دوره زبان ادبی و علمی لاتین بوده و این کار دانه یک حرکت سیاسی و به نوعی مخالفت با زبان لاتین محسوب می‌شود. او زبان رسمی را ناپسندیده گرفته و کتابی مهم را به زبانی دیگری می‌نویسد که حادثه‌های بسیار بزرگ در تاریخ ادبیات جهان محسوب می‌شود. رمان ابزار شخصیت‌های سیاسی نبوده، هرچند امکان بهره‌وری از آن به عنوان یک ابزار هم فراهم بوده و هست. ممکن است فردی که به عنوان یک شخصیت سیاسی، فعالیت سیاسی‌اش را در رمان انجام داده و از این طریق عملی سیاسی رخ دهد. به عنوان نمونه کاری که در ساده‌سازی زبان فارسی انجام شد هم از این‌گونه است، مسأله‌ای که جمال‌زاده در مقدمه کتاب «یکی بود یکی نبود» به آن اشاره کرده است.

«فرم رمان ایرانی به مثابه امر سیاسی» کتابی تخصصی است، طبیعتاً افرادی به سراغ آن می‌روند که اهل ادبیات و کتابخوانی هستند. چه نیازی ساده‌ای برای کتاب سراغ پیش‌زمینه‌های داستان‌نویسی از جمله قصه‌گویی در کشورمان روید و از سویی تعاریف خیلی ساده‌ای برای مضامینی همچون رمان به کار بردید؛ این‌ها نگاه تناسی با قشری خاص است که از کتاب خواهند بردند؟! شاید به نظر برسد من کتابی تخصصی برای قشری خاص نوشته‌ام، اما نظرم این است که کتاب‌های تخصصی، بویژه در عرصه فرهنگ و هنر را باید به گونه‌ای نوشت که تا حدی سرگرم‌کننده هم باشد.

همین کتاب «جهان در پوست گردو» نوشته «استیون هاوکینگ» مگر اثری تخصصی در عرصه فیزیک نیست، اما افراد زیادی آن را خوانده‌اند، چراکه برای مطالعه‌اش ضروری نیست

حتماً فیزیک خوانده باشید، آن هم در شرایطی که هاوکینگ در این نوشته‌اش از علم فیزیک کم‌نگذاشته است. وی به نحوی درباره این علم حرف زده که حتی کتابخوان‌های معمولی هم قادرند آن را بخوانند و لذت ببرند. جالب است که یکی از پر فروش‌ترین کتاب‌های فیزیک جهان هم هست.

البته این بُعد سرگرم‌کنندگی را برای همه کتاب‌ها نمی‌توان قائل شد. بویژه در زمینه‌های سیاسی و تخصصی علمی!

با این حال من تلاش کردم تا نوشته‌ام را طوری به مخاطبان عرضه کنم که برای عموم جامعه کتابخوان قابل درک باشد.

ارجاع‌های مختلفی که در اثبات نوشته‌های خود در کتاب، به رمان‌های مشهور ایرانی و خارجی داشته‌اید از این بابت است؟ بله، هم برای درک بهتر مطالبی است که در کتاب آمده و هم اینکه به وجه سرگرم‌کنندگی کتاب اضافه شود. در جایی از کتاب نوشته‌اید که رمان نویسی ایرانی از همان بدو امریه دنبال جاه‌طلبی سیاسی، اخلاقی و اجتماعی بوده، با این تفاسیر برای این گونه ادبی در کشورمان چه جایگاهی را می‌توان برشمرد؟

ما ایرانیان، ورود به رمان نویسی را در شرایطی متفاوت از دیگر کشورها شروع کردیم چراکه ما از لحاظ ادبی دارای پیشینه‌ای کهن هستیم و حتی از گذشته‌های دور، سنت

